

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اعجاز پیام قرآن

مقدمه

با توجه به اینکه اثبات حقانیت قرآن از طریق وجوه متعدد اعجاز آن همچون اعجاز ادبی، بازگویی اسرار آفرینش، اخبار غیبی، اعجاز تشریعی و غیره قابل اثبات است، نویسنده این مقاله ثابت می کند که بدون لحاظ کردن این جنبه ها از اعجاز نیز می توان حقانیت قرآن را از طریق پیامهای آن ثابت کرد؛ پیام هایی که عقل آنها را ثابت می کند و غیر از آن ممکن نیست!

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَرْجُوعُ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ
وَالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ: المر، اینها آیات کتاب (آسمانی)
است؛ و آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده،
حق است؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند! (آیه
1، سوره رعد)

پیام های کلیدی قرآن:

1. وجود خداوند
2. یگانگی خداوند
3. صفات خداوند (علیم، قادر، حکیم، عادل و...)
4. معاد

5. نبوت و امامت

6. مکتب اسلام و آیین نامه این مکتب، قرآن

1. وجود خداوند:

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ خدا آفریننده هر چیز است
(آیه 62، سوره زمر)

قرآن وجود خالق را مطرح می فرماید، وجود خالق امری است که از نظر عقلی نیز قابل اثبات است و عقل غیر از آن (عدم وجود خالق) را نمی تواند بپذیرد. آیا با دلایل عقلی می توان ثابت کرد که این دنیا و موجودات زنده و غیر زنده آن خالق ندارد؟

اثبات وجود خداوند امری بسیار آسان است و نیاز به تحقیق زیاد نیز ندارد. با اندکی تأمل در مورد نظم بسیار زیاد در موجودات (انسان، گیاه، حیوانات، کهکشانها و...) میتوان به وجود ناظم پی برد. توجه به این نکته نیز ضروری است که مباحث مطرح شده در مورد عدم وجود خداوند فقط تبلیغاتی دروغین است که متأسفانه با ایجاد جو، مخاطب را دچار سردرگمی و آشفتگی ذهنی می کنند تا حقیقتی به این بزرگی (وجود خالق) را دروغ جلوه دهند و بتوانند اهداف (معمولا سیاسی) خود را دنبال کنند. وقتی با اندکی اندیشیدن از این سردرگمی خارج بشوید و سعی کنید هوای نفس را نیز کنترل کنید از

سردرگمی خود درباره این موضوع که آیا خالق وجود دارد یا خیر (که موضوعی بسیار آشکار است) تعجب خواهید کرد! نکته دیگر اینکه اثبات خداوند فقط وابسته به برهان نظم نیست و با برهان های دیگر (حدوث، حرکت، وجوب و امکان، صدیقین و...) نیز وجود خداوند ثابت می گردد.

2. یگانگی خداوند

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (1)

بگو اوست خدای یگانه (1، توحید)

قرآن می فرماید "خداوند یکتا" است. آیا با دلایل عقلی می توان ثابت کرد که دو یا چند خداوند وجود دارد:

دلایل عقلی متعددی بر توحید و یگانگی خداوند اقامه شده است؛ مانند: برهان وحدت، برهان نظم، (هماهنگی عالم)؛ برهان وحدت انبیا؛ برهان نفی شبیه و مثل و نظیر؛ برهان تمانع؛ برهان بی نیازی خداوند و برهان بساطت و عدم محدودیت خداوند. در زیر دو برهان تشریح می گردد:

1. برهان وحدت هماهنگی عالم: اگر دو تدبیر و اراده در عالم هستی حاکم باشد، فساد و بی نظمی

در عالم یافت می شود؛ پس نبودن فساد در عالم،
دلیل بر وحدت خداوند است. «اگر در آنها [=زمین
و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت
قطعا [زمین و آسمان] تباه می شد پس منزّه است
خدا پروردگار عرش از آنچه وصف می کنند»
(سوره النبأ: آیه 22).

همان کسی که هفت آسمان را بر روی یکدیگر
آفرید، در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و
عیبی نمی بینی، بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و
خللی مشاهده می کنی؟ (آیه 3 سوره ملک)

2. برهان وحدت انبیا: اگر ذات واجب الوجود بیش از یکی بود، هر آینه می بایست خدایان دیگر نیز به ارسال رسل و پیامبر پردازند تا مردم را هدایت کنند، ولی در هیچ جای عالم چنین اتفاقی نیفتاده است و ما شاهد هیچگونه آثاری از خدای دیگر نبوده ایم.

3. صفات خداوند در قرآن:

برای خداوند به غیر از توحید صفات متعددی در قرآن مطرح شده است. آیا می توان این صفات را در مورد خالق این دنیا با دلایل عقلی و منطقی تکذیب کرد. برای مثال به بررسی چند مورد از

صفات خداوند که در قرآن مطرح شده و اثبات این صفات بر اساس عقل و منطق می پردازیم.

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ^ج (آیه 255 سوره بقره)،
وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^م (آیه 18 سوره نور)، إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ^م
بَصِيرٌ^م (آیه 75 سوره حج)، إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ^م
قَدِيرٌ^م (آیه 109 سوره بقره)

- حی (زنده): قرآن میفرماید خداوند زنده است، آیا
خداوند می تواند زنده نباشد و زندگی خلق کند؟
علیم (دانا): قرآن می فرماید خداوند دانا است، آیا
ممکن است خالق آسمانها و زمین و موجودات
بویژه انسان دانا نباشد؟

- قادر (توانا): قرآن می فرماید خداوند توانا است.
آیا خلقت این دنیا با این عظمت دلیل محکمی بر
توانمند بودن خالق آن نیست؟

- حکیم: قرآن می فرماید خداوند حکیم است. آیا
می توان ثابت کرد خالق این دنیا با این همه عظمت
و پیچیدگی حکیم نیست؟

حکیم یعنی صاحب حکمت. حکمت در لغت به
معنای استواری و استحکامی است که از نقص، خلل
و فساد جلوگیری می کند. افعال حکیم هدفی را
دنبال می کند و در آن افعال نقص و خلل وجود
ندارد. آیا در مخلوقات همچون کهکشانها، سیارات

و موجودات زنده نقص، خلل و عدم استحکام مشاهده می شود؟ آیا هریک از اعضاء بدن انسان برای هدفی طراحی نشده است؟ یک نگاه به جهان هستی از منظومه ها و ستارگان و کواکب گرفته تا ساختمان اتم، و از موجودات زنده تک سلولی تا حیوانات غول پیکر و درختان عظیم، برای پی بردن به حکمت آفریدگار آنها، و بانی این بنای باشکوه کافی است. اصولاً تمام کتاب هایی که درباره علوم طبیعی، فیزیک، شیمی، تشریح، فیزیولوژی، گیاه شناسی، حیوان شناسی، علم هیئت و نجوم نوشته شده همگی شرح حکمت خدا است؛ و به گفته دانشمندان تمام این علوم در واقع یک ورق از کتاب

قطر اسرار عالم هستی است؛ این خود بهترین دلیل
بر حکمت او است.

- سمیع (شنوا): قرآن می فرماید خداوند شنواست؟
آیا اگر خداوند شنوا نبود می توانست موجودات
شنوا خلق کند؟

- بصیر (بینا): قرآن می فرماید خداوند بینا است؟ آیا
اگر خداوند بینا نبود می توانست موجودات بینا خلق
کند؟

4. معاد

«اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا» (سوره نساء، آیه 87):

(معبودی جز خداوند نیست؛ و به یقین، همه شما را در روز رستاخیز - که شکی در آن نیست - جمع می کند و کیست که از خداوند، راستگوتر باشد؟!).

قرآن واقعه معاد (روز قیامت) را مطرح می فرماید. معاد را میتوان با روشهای متعدد ثابت کرد. در اینجا ما با صفات حکمت و عدالت خداوند معاد را را ثابت می کنیم.

عدل در لغت یعنی نظم، ادب و قرار دادن هر چیز در جای خود. در روایتی از امام علی (ع) آمده است: عدالت عبارت است از وضع و قرار دادن هر شیء در جایگاه مناسب آن. (نهج البلاغه، حکمت

437). بنابراین عادل کسی است که هر چیز را در جای مناسب آن قرار می دهد.

وجود عدالت در حوزه آفرینش (قرار داشتن اعضای بدن در جای مناسب خود، قرار داشتن خورشید و زمین با فاصله مناسب از دیگری برای برقراری امکان حیات در کره زمین و...) نشان از عادل بودن خداوند است. در حدیث نبوی آمده است "بالعدل قامت السموات و الارض": توسط عدل آسمانها و زمین استوار باقی مانده است (تفسیر صافی، ذیل آیه 7 سوره الرحمن). وقتی در مخلوقات خداوند از انسان گرفته تا کهکشانها و دیگر موجودات عدالت (نظم، ادب و قرار گرفتن

هر چیز در جای مناسب خود) مشاهده می شود
نتیجه میگیریم خالق این دنیا عادل است و بنابراین
این امر مورد پذیرش عقل نیست که انسان بد و
انسان خوب هر دو در جایی مشابه (گور) قرار
بگیرند (عدم عدالت). خالق که عدالتش را در
مخلوقاتش می توان مشاهده کرد یقیناً در همه
کارهایش هر چند برای ما به درستی محسوس
نباشد، عدالت وجود دارد. بنابر آیات قرآن، در
دنای پس از مرگ عدالت خدواندی اجرا میگردد
و انسان خوب و انسان بد از یکدیگر جدا خواهند
شد و بنابر تناسب اعمال، انسان خوب در بهشت و
انسان بد در جهنم جای خواهد گرفت (هر کدام در

جایی که با آن سنخیت دارد، جای مناسب
خود=عدالت).

به آیات زیر توجه کنید:

وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ (آیه 100 سوره
مؤمنون): و پیش رویشان برزخی است تا روزی که
برانگیخته می شوند.

امام سجاد (ع) در این باب میفرمایند: به خدا قسم
قبر یا باغی از باغ های بهشت است یا چاهی از
چاههای آتش» بحارالأنوار، ج 6، ص 159.

وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ... (البقره/25): به کسانی که

ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند،
بشارت ده که باغهایی از بهشت برای آنهاست که
نهرها از زیر درختانش جاریست.

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ
بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ ۚ
أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ (آیه 37، سوره انفال): (اینها
همه) بخاطر آن است که خداوند (می‌خواهد)
ناپاک را از پاک جدا سازد، و ناپاکها را روی
هم بگذارد، و همه را متراکم سازد، و یکجا در
دوزخ قرار دهد؛ و اینها هستند زیانکاران!

حال به اثبات معاد از بعد حکمت می پردازیم.
همانطور که در بالا در قسمت صفات خداوندی

مطرح شد، وجود حکمت در مخلوقات همچون بدن انسان نشانه ای از حکیم بودن خالق است. حکیم هیچ کاری را بدون هدف انجام نمی دهد. خداوند حکیمی که هر یک از اعضای بدن انسان را برای هدفی طراحی کرده است، ممکن نیست برای خلقت این دنیا با این همه عظمت و پیچیدگی هدفی نداشته باشد و خلقت این دنیا امری عبث و بیهوده باشد. با باور به حکمت خالق، نمی توان باور پیدا کرد که با مرگ انسان همه چیز برای او تمام می شود! پس باید پس از مرگ حقایقی دیگر وجود داشته باشد، هر چند برای ما محسوس نباشد.

بنابراین، متوجه می شویم که واقعه معاد که از پیامهای قرآن می باشد از نظر عقلی نیز قابل اثبات است و عقل نمیتواند بپذیرد که دنیای پس از مرگی وجود نداشته باشد.

5. نبوت و امامت:

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ^ط، ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را پرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» (آیه 36 سوره نحل)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ: ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا را

اطاعت کنید و از فرستاده او و صاحبان امرتان (که
جانشینان معصوم پیامبرند) اطاعت نمایید. (آیه 59،
سوره نساء)

موضوع نبوت و امامت یکی از مهمترین پیامهای
قرآن می باشد. پیامبر و امام راه بلدان و هدایتگرانی
مطمئن برای بشر هستند. حال به این موضوع از
دیدگاه عقل می پردازیم و میبینیم که این پیام قرآن
(نبوت و امامت) موضوعی است که عقل نیز انتظار
آن را دارد و غیر از آن را نمی تواند بپذیرد:

خداوند انسان را از طریق "عقل" و حیوان را از
طریق غریزه (هدایت غریزی) هدایت میکند.

خداوند گیاهان را نیز برای رشد و نمو هدایت میکند. جالب است بدانیم که صفت هدایتگری خداوند شامل موجودات غیر زنده نیز می شود (برای نمونه، الکترون نحوه عملکرد خود را می داند و کرات با هدایتی که میشوند در مدار خود حرکت میکنند). بنابراین نتیجه میگیریم خالق این دنیا هادی (هدایتگر) است و با هدایتش مخلوقات را به کمال مختص ظرفیتشان میرساند.

اما برای رسیدن به کمال مطلوب، گاهی نیاز به هدایت از نوع دیگری نیز می باشد، برای مثال، خداوند برای زنبورهای عسل ملکه تعیین کرده تا مدیریت و هدایت زنبورها را برعهده بگیرد تا به

کمال مطلوب برسند (ملکه به عنوان رهبر کندو محسوب می‌شود و اگر ملکه را بردارند یا کشته شود و جانشینی برای او وجود نداشته باشد بعد از سه یا چهار ساعت تمام کارهای کندو متوقف می‌شود).

انسان نیز از موهبت عقل برخوردار است. اما همین عقل به انسان می‌فهماند که برای آگاهی یافتن از هدف خلقت و آغاز و سرانجام دنیا و سعادت در امور دنیا و آخرت نیاز به هدایت از بعدی دیگر دارد و عقل از درک برخی امور غیر تجربی کاملاً عاجز است. انسان نیاز به رهبر و راه‌بلدی دارد تا در کوره راه‌های زندگی پا بر جای پای او بگذارد و بتواند

با برنامه و دستورالعمل هدایتی (دین) که آن راه بلد
تعلیم می دهد و الگو برداری از او از این مسیر پر
پیچ و خم عبور کند و به مقصد خود (کمال
مطلوب) برسد!

بنابراین، صفت حکمت و هدایتگری خداوندی که
موجودات زنده و غیر زنده را برای رسیدن به کمال
مطلوب هدایت میکند اقتضاء میکند تا زمانی که
انسان وجود دارد راه بلدانی مطمئن نیز همواره با او
باشند تا با تشریح دقیق برنامه هدایتی خداوند مانع از
سردرگمی و سقوط او به قعر دره ضلالت بشوند!

6. مکتب اسلام و آیین نامه این مکتب،

قرآن

"إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (آیه 19 آل عمران): همانا دین (پسندیده) نزد خدا آیین اسلام است.

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ (آیه 125، سوره انعام): آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد.

الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (آیه 3 سوره مائده): امروز، دین شما را کامل کردم؛ و نعمت خود را بر شما تمام نمودم؛ و اسلام را به عنوان آیین (جاودان) شما پذیرفتم.

باتوجه به صفات حکمت و هدایتگری خالق، حال باید به دنبال نشانه هایی از هدایت و برنامه ای جامع باشیم تا با پیروی از آن برنامه بتوان به مقصد سعادت رسید! شروع به بررسی میکنیم؛ مبانی ادیان و مکاتب الحادی (همچون بت پرستی) با عقل و منطق همخوانی ندارند. با بررسی بیشتر به ادیان توحیدی (همچون اسلام، مسیحیت، یهودیت) میرسیم که در میان آنها فقط دین مبین اسلام است که اصول و مبانیش همگی با عقل و منطق سازگار است و توصیفش از خالق به گونه ای است که مورد تایید عقل است و تنها دینی است که برای سعادت بشر برنامه ای جامع، کامل و دقیق ارائه میدهد و میتواند

بشر را به سر منزل مقصد سعادت برساند. همچنین، از آنجایی که دین و برنامه هدایتی دیگری وجود ندارد که هم مورد تایید عقل باشد و هم دارای برنامه ای جامع برای سعادت بشر باشد و از طرفی نیز صفات حکمت و هدایتگری خالق اقتضا میکند که بشر را هدایت کند، نتیجه میگیریم دین اسلام همان دستورالعمل و برنامه هدایتی است که از سوی خالق این دنیا برای هدایت بشر در نظر گرفته شده است. هر آیین و مکتبی نیز نیاز مند آیین نامه است و قرآن آیین نامه مکتب اسلام است.

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا، آیا در قرآن نمی اندیشند [تاحقایق را بفهمند] یا بر دل هایشان قفل هایی قرار دارد؟ / آیه 24 سوره محمد /

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِّيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ: (این قرآن بزرگ) کتابی مبارک و عظیم الشأن است که به تو نازل کردیم تا امت در آیاتش تفکر کنند و صاحبان مقام عقل متذکر (حقایق آن) شوند. (آیه 29 سوره ص)

"بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَرْجُ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ^ق وَالَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ (آیه 1، سوره رعد): المرء، اینها آیات

کتاب (آسمانی) است؛ و آنچه از طرف
پروردگارت بر تو نازل شده، حقّ است؛ ولی بیشتر
مردم ایمان نمی آورند!

نکته: محتویات منابع ادیان توحیدی دیگر همچون
تورات و انجیل به دلیل تحریفات صورت گرفته در
آنها از نظر عقلی و منطقی مورد تایید نیستند و
همچنین برنامه ای جامع و دقیق نیز برای سعادت
بشر امروز ارائه نمیدهند. ادیانی همچون مسیحیت و
یهودیت در زمان خود برنامه هدایتی از سوی
خداوند بوده اند زیرا که همانطور که از نظر عقلی
انتظار میرود و آیات قرآن نیز حاکی از آن است
خداوند همیشه برای بشر، پیامبرانی را به همراه برنامه

هدایتی ارسال می کرده است. اما حال این منابع دچار تحریف شده اند؛ در نتیجه، قرآن از همه ابعاد نسبت به این منابع دارای برتری است. اعتقاد مسلمانان به این منابع توحیدی نیز به این دلیل است که قرآن از آنها یاد میکند.

نکته دیگر اینکه حکمت خداوندی اقتضاء می کند در صورتی که پیامبر اسلام (ص) آخرین پیامبر و قرآن آخرین برنامه هدایتی از سوی خداوند برای بشر باشد و دیگر قرار بر تغییر و تکمیل آن نباشد، خداوند از این برنامه هدایتی محافظت بکند که در آیات قرآن نیز شاهد این موضوع هستیم:

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ
وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ^{قُلْ} وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا (آیه 40
سوره احزاب): محمد (ص) پدر هیچ یک از مردان
شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و
آخرین پیامبران است؛ و خداوند به همه چیز آگاه
است!

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (آیه 9 سوره
حجر): همانا ما قرآن را نازل کردیم، و یقیناً ما
نگهبان آن [از تحریف و زوال] هستیم.

همچنین، در انتها قابل ذکر است که اصول عقاید
شیعه (توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت) با مبانی

عقل و پیامهای قرآن همخوانی دارد. بنابراین کاربرد دیگر این نوشتار در راستای «اثبات براهین عقلی اصول عقاید شیعه با استناد به آیات قرآن کریم» میباشد.

نتیجه گیری

همانطور که بررسی شد متوجه می شویم که علاوه بر استناد به اعجازهای متعدد قرآن همچون اعجاز ادبی و علمی، با استناد به پیام های قرآن نیز می توان حقانیت قرآن را ثابت کرد؛ پیامهایی که از نظر عقل و منطق مورد تایید هستند و عقل غیر از آن را نمی تواند بپذیرد.

" إِنْ هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا ما راه را
به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا
کفران کند " (آیه 3 سوره انسان).

پایان

**ثواب تالیف این مقاله هدیه می گردد به
چراغ هدایت امام حسین (ع) و فرزند
ایشان حضرت امام مهدی (عج) و پدر و
مادر عزیزم.**

(با تشکر پیشاپیش از شما به خاطر تکثیر این مقاله).

التماس دعا!

مقاله "اعجاز پیام قرآن" بر روی وبلاگ
زیر قرار دارد و کلیه بروز رسانی های این
مقاله در این وبلاگ مطرح خواهد شد.

[/http://ejazepayam.blogfa.com](http://ejazepayam.blogfa.com)